



UNIVERSE

6

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MYSTERY
THRILLER

EVENT LEVIATHAN

BENDIS • MALEEV

*THE MAN
BEHIND THE MASK
REVEALED!*

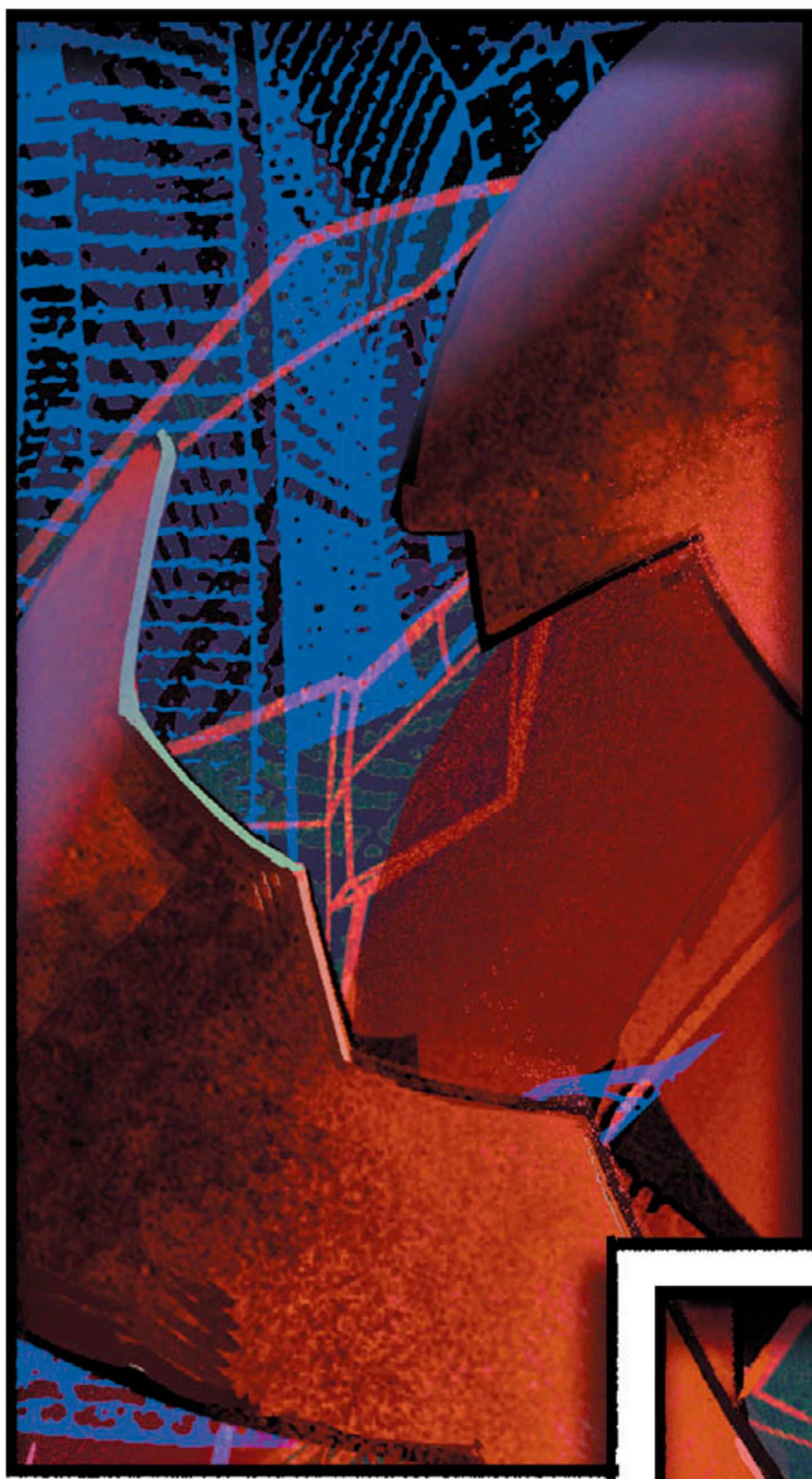


دورنامه

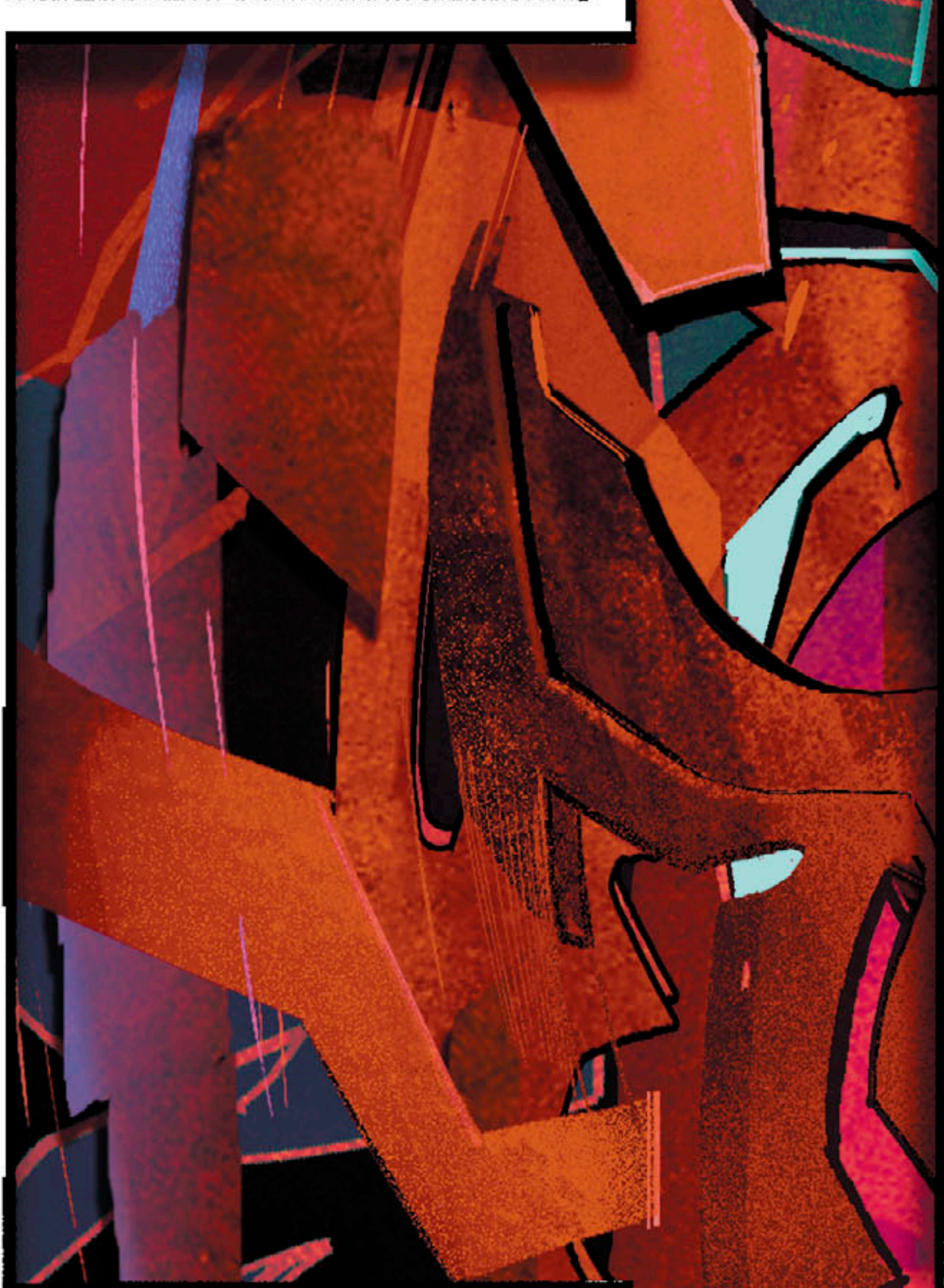
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

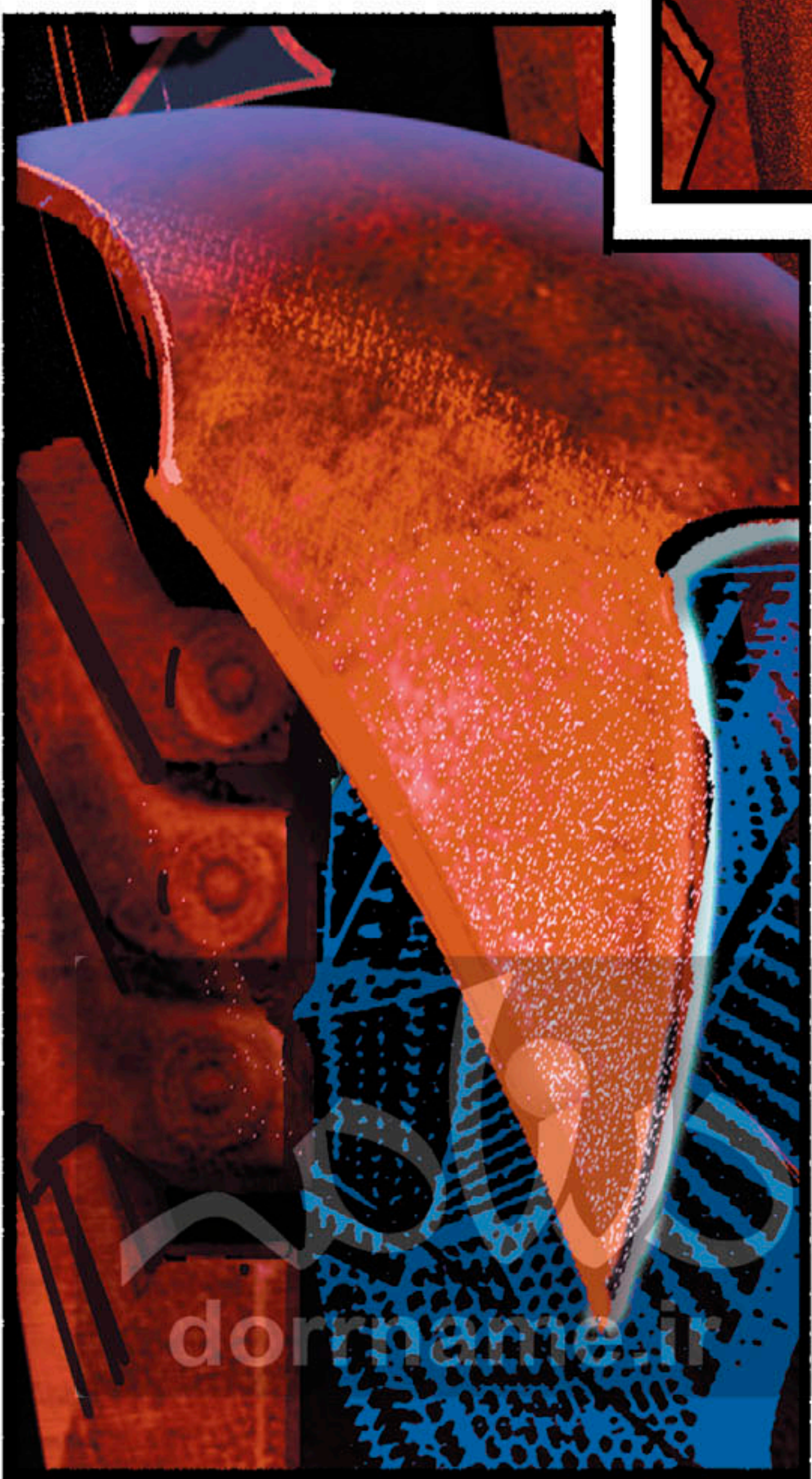
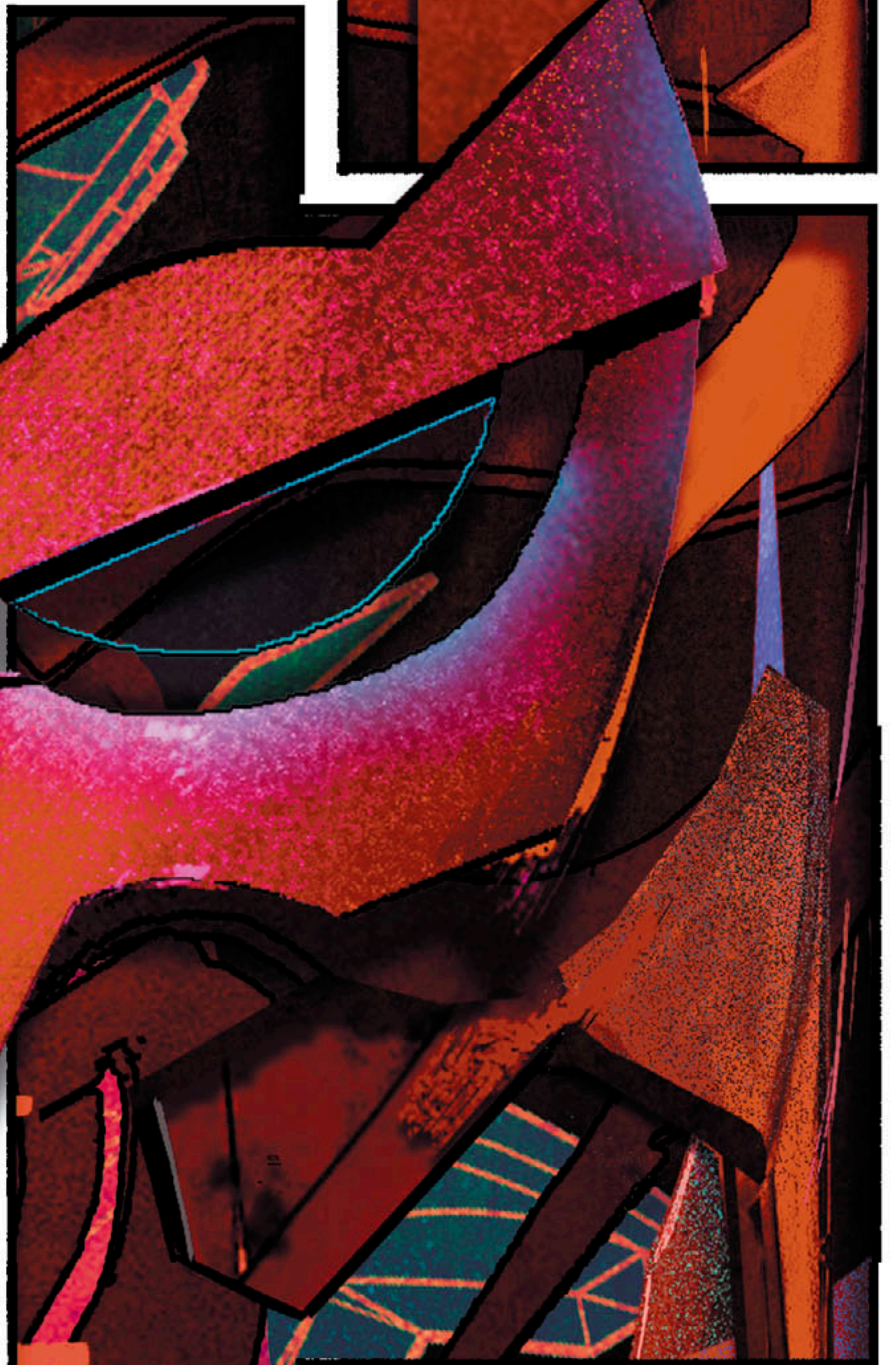




تو نمی دونی
یه منجارتتر چیه؟

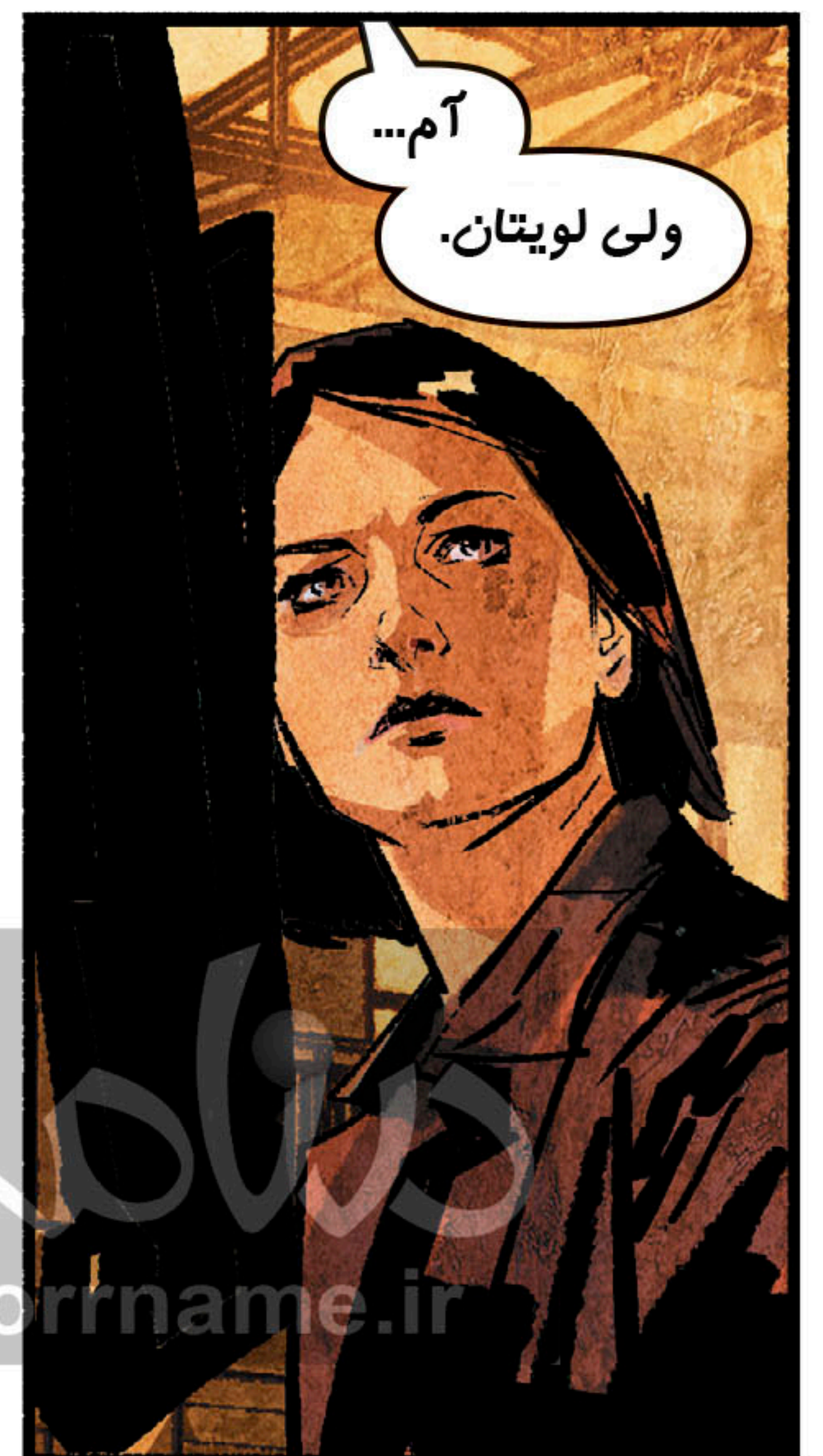
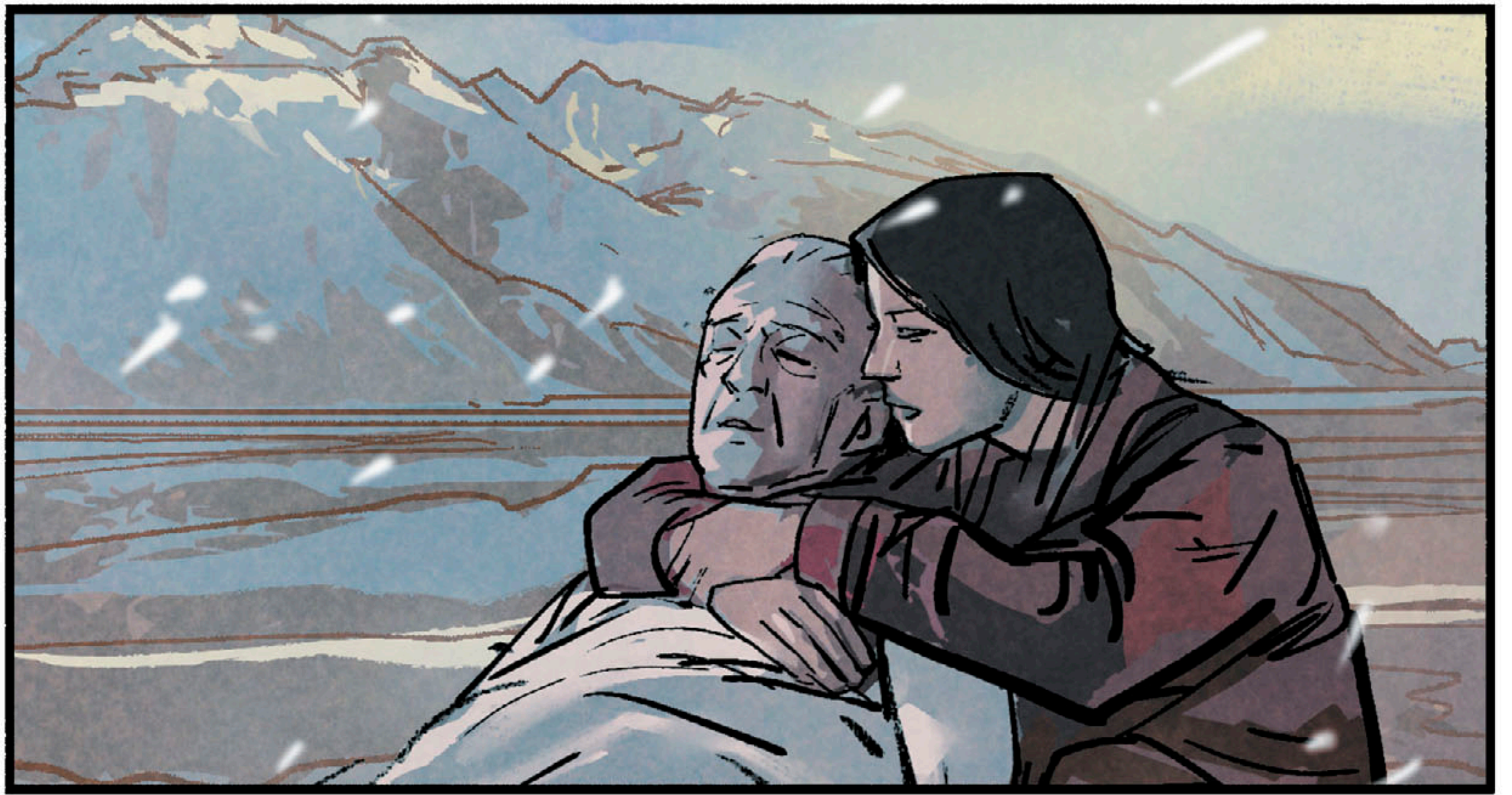


مهم نیست.



منجارتتر لویتانه
و ما اجازه می دیم
تا اون دنیا رو تسخیر
کنه.

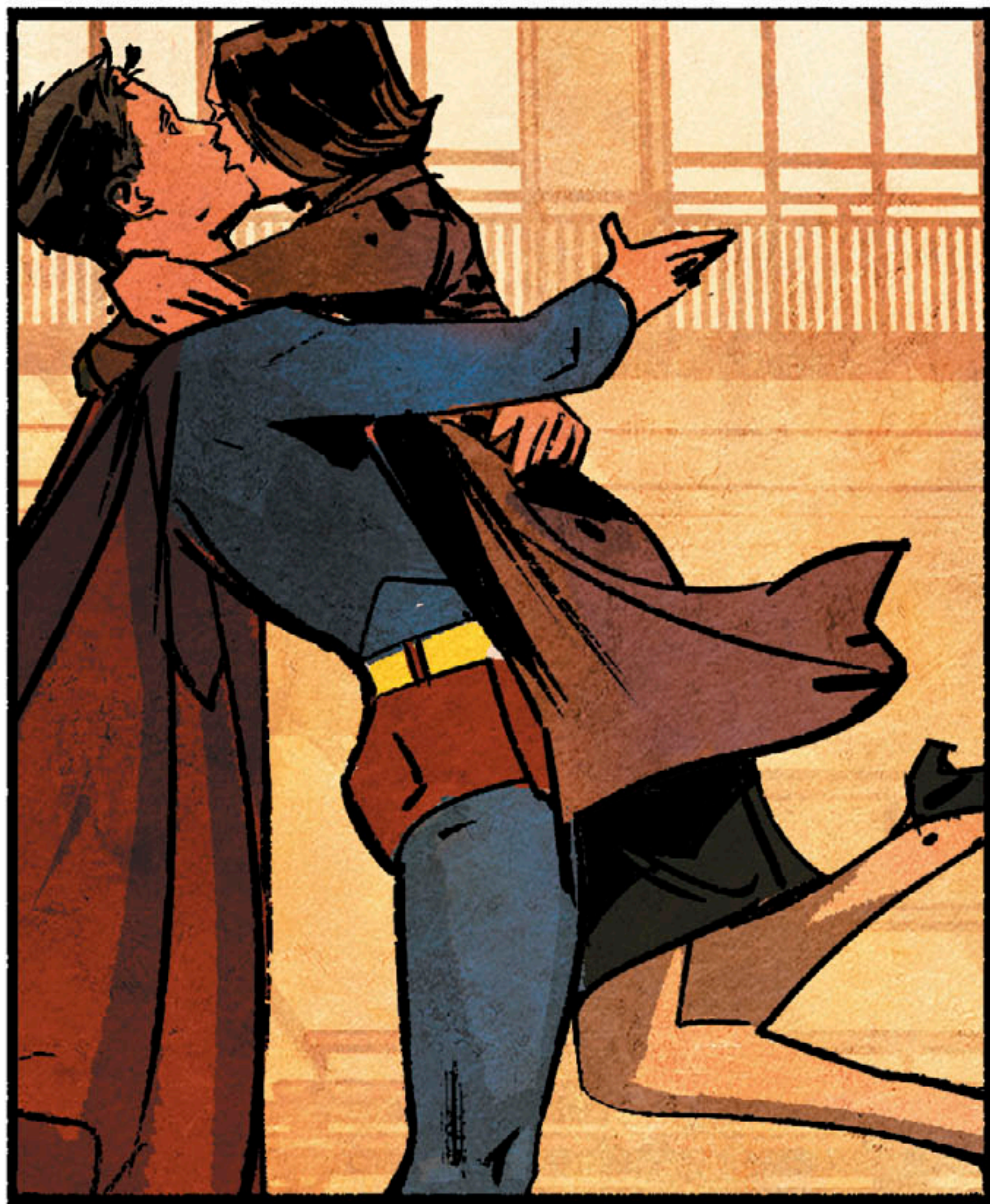






من اینجام
لوییس.

خدای من!



تو حالت
خوبه؟

آره،
آره.

تو خوبی؟

می تونی
من و همسر رو
یه دقیقه تنها
بذاری؟

حتماً،
حتماً.



خوب...

پدرم مرد.

می دونم.

لویتان
سعی داشت
اونو تغییر بده.

ولی
وقتی دیدند
نمی تونند...

جلوی
چشم ما اون
کارو کردند.



پدرت مرد
پیچیده ای بود...

ولی حتی این
دم آخر هم
خوب بود.

این چیزها
امروز دردی از
من دوا نمی کنند
اسمالویل...

در باره مناعتها
بهم بگو.

کاتهام سیتی سه ساعت پیش



من منجانترم.



می دونم عزیزم.

به همین آخریه بازو کا حواله ات کردم.

همه ما خیلی از این بابت خوشحالیم خانم اسپنسر. حالا عصای منجانتری رو بذارید زمین و زره جنگی رو باز کنید...

قبل از اینکه به سایلنسر بگم مغزتو از سرت جدا کنه.

اوه بله. اشکال نداره.



هی همه ببینند! تروریست های بیشتر.

چیز محکمه پسند چی داری بگی تالیا؟

با خودت اسنک آوردی مامان؟



سلام دیمین عزیزم.

الان. کاترین اسپنسر، بی زحمت اون عصای منجانتری رو بده به پسرم.

این یه کابوسه. صبر کن تو واقعا مادرشی؟



مقایسه دو طرفه با دژ تنهایی و تالار عدالت...

این عصا علائمی چیززی مخابره می کنه؟

با پایگاه داده های بین کهکشانی و بین بعدی چکش کن.

حتی با چیزهایی که نمی تونی طبقه بندی کنی.



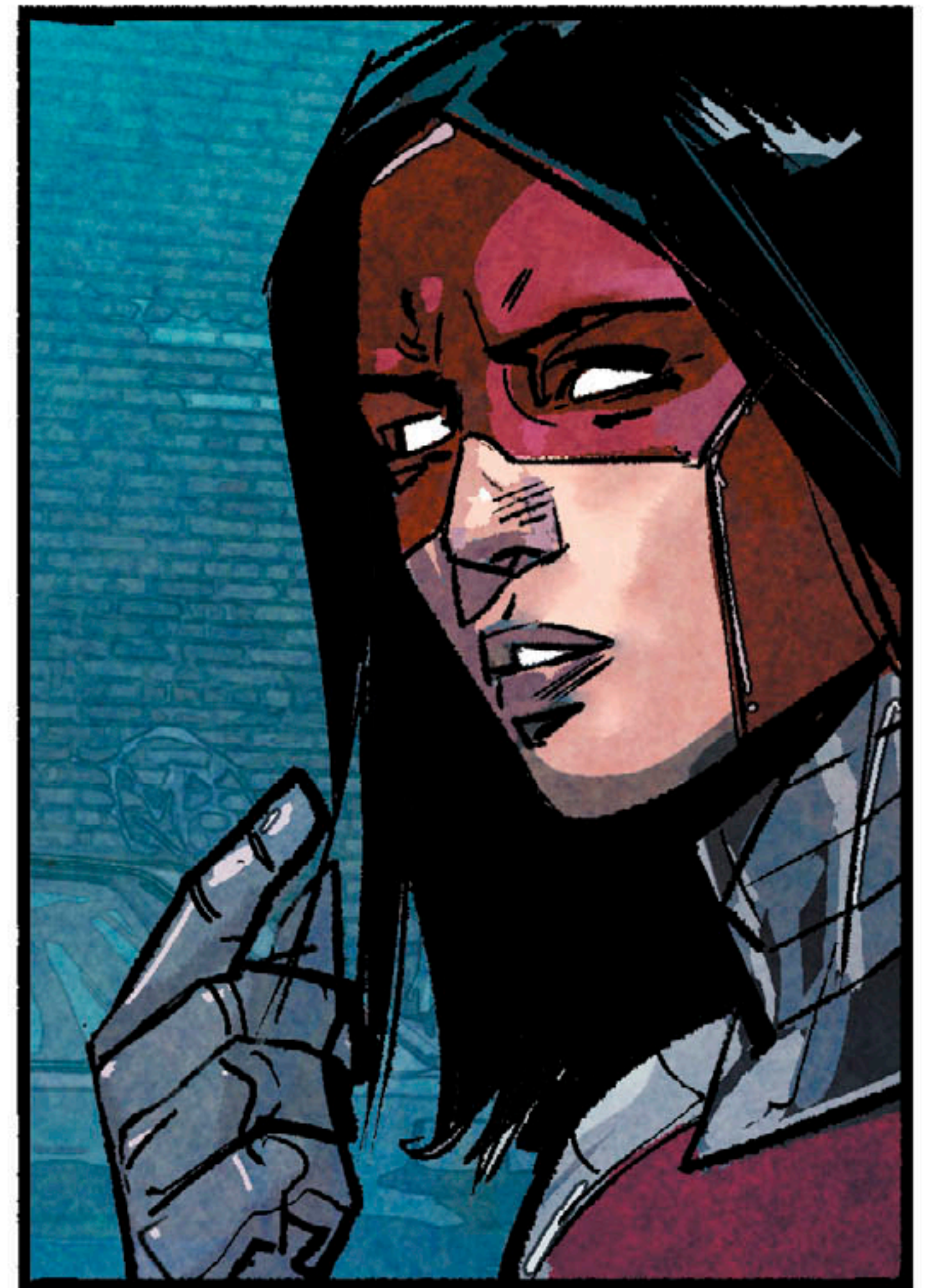
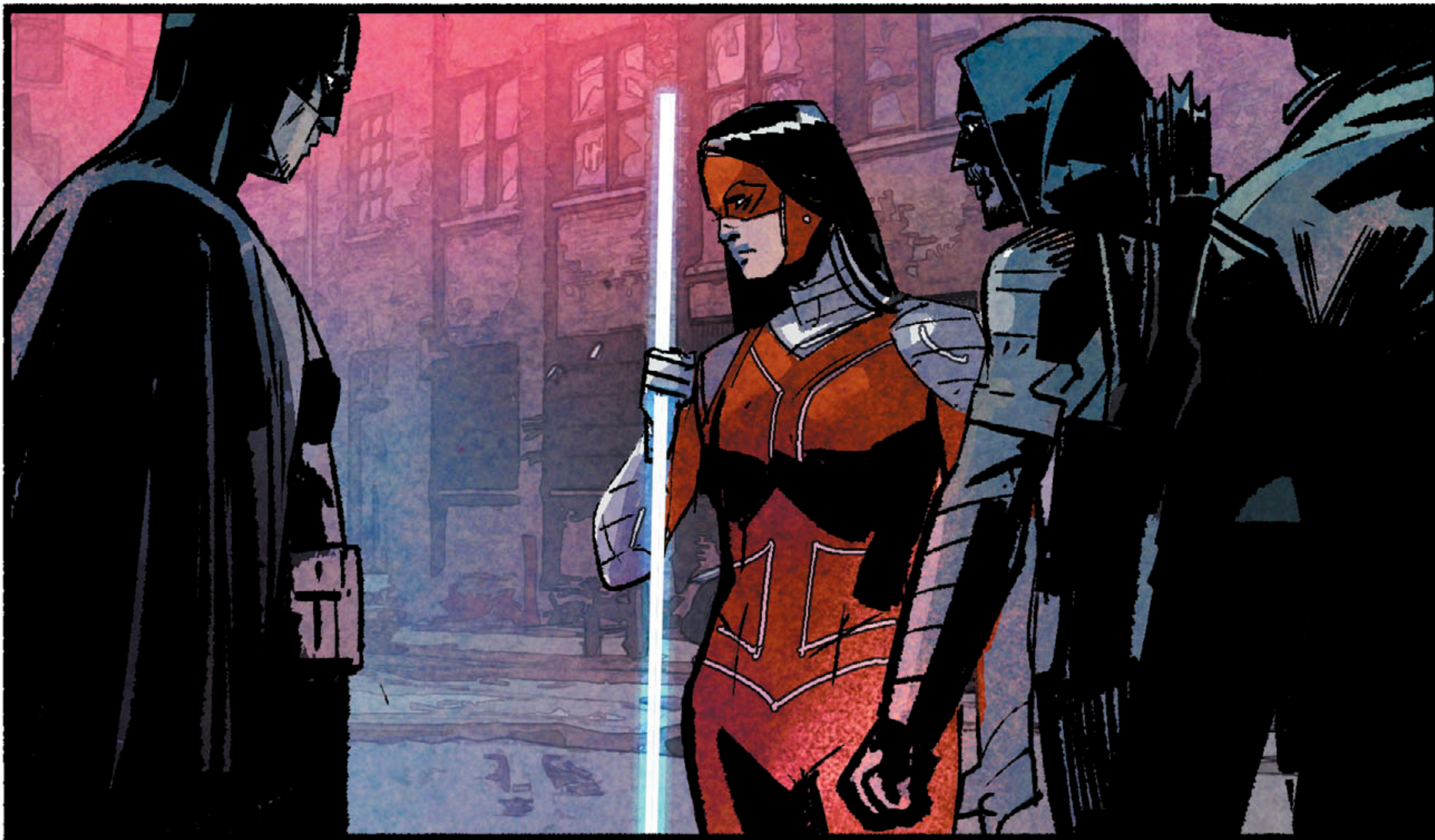
بی نتیجه.

بچتون
گفتم.

این جریان
درباره من...

می تونی
یه اسکن
اسکلتی به ما
نشون بدی
از...؟

سیگنال های
ارسالی از گردنبند
منهاتر اسکن رو
به هم ریخته.



یه منهاتر.
یه منهاتر
لعنتی دنیای منو
ازم دزدید.



این به
اون معنیه که...؟



نه. من یه پسر
دارم.

من نباید...
خدای من. من
نباید اینجا
باشم.

یه منهاتر چیه؟

"سؤال
منصفانه ایه.

"هر کسی جواب این
سؤال رو نمی دونه."



”منهائرها از دسته گرین لنترهای اولیه و اصیل بودند.“

لعنت به همتون.

اونها اولین تلاش برای ایجاد نگهبانان جهان بودند.



”در زمان خودشون...اونها سیاره های زیادی رو آزاد کردند.“

”اونها در تمامی مسیرهای کهکشان پیروانی را به خود جذب کردند.“

”تو کره زمین جنگجویان افسانه ای مثل پاول کرک داشتید که ردای قهرمانی داشتند.“

”افسانه ای!“



”دوستی به من گفت: تنها بر روی کره زمین و با وجود واندرومن و لیگ عدالت است، یک منهائتر ارزش چندانی نخواهد داشت.“

”ولی مثل همه چیز دیگه، منهائرها هم نیازمند تکامل هستند...اونها اینطور نبودند...“

”و در نهایت اینجا رو ترک کردند.“



”دلیل خلق منهائرها...“

”ایده...“

ایجاد نظم در کهکشان...“



”همیشه مورد نیاز بوده.“

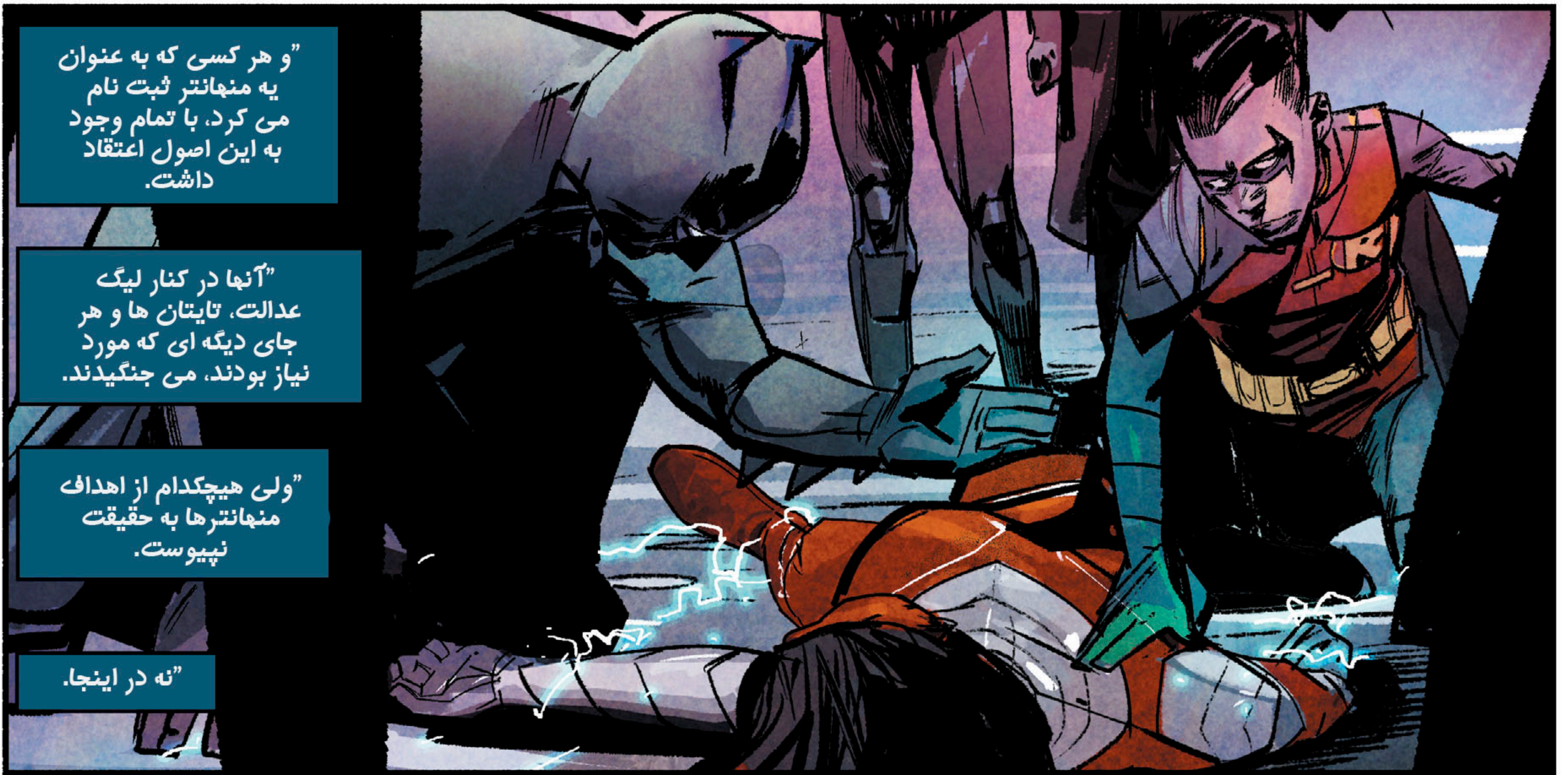
نیاید به من حمله می کردی ...

من یکی از اعضای گروه @\$#! سایه ها هستم!



منهاترها به همون دلیل به زمین اومدند که به سیارات دیگه رفتند...

"تا آنها را از خودشان نجات و آزادی ببخشند."



"و هر کسی که به عنوان یه منهاتر ثبت نام می کرد، با تمام وجود به این اصول اعتقاد داشت."

"آنها در کنار لیگ عدالت، تایتان ها و هر جای دیگه ای که مورد نیاز بودند، می جنگیدند."

"ولی هیچکدام از اهداف منهاترها به حقیقت نپیوست."

"نه در اینجا."



"چون این سیاره کلاً در آشوب غرق شده."

"هیچ چیز عادلانه ای در مورد نحوه اداره شدن این دنیا وجود نداره."



"بهتره بر گردیم به غار خفاشی و منتظر برگشت سوپرمن باشیم."

"فکر کنم حق با تو باشه بتمن."

کار آگاهان! اگه به زبان اشاره وارد هستید، ادامه بدید...



"دیوانه واره."

"ابرقهرمان ها، سیاستمداران و جاسوسان، جاسوسان!؟"

شما عمر خود رو وقف محافظت از یه سیرک کردید."

"AND YOU WOULD CAN HELP ROBIN LEAD THE VAN, RIGHT?"

این شرایط خیلی خطرناک شده. ما داریم کنترل می شیم.

برنامه رو برامون تشریح کن بتمن...



این گردنبند منجانتر با نوع خاصی از ابریارانه در ارتباطه.



اگه غار بتمن نتونسته بطور اتوماتیک اینو تشخیص بده... پس تکنولوژی پشت اون می تونه در حدی باشه که همه شما رو به وحشت میندازه.

می شه اینطور فرض کرد که این ما رو مستقیم وصل می کنه به کسی که داره استراق سمع می کنه.



پس می تونیم از جاسوسی اونجا برای پیدا کردن محلشون استفاده کنیم؟

و به تشخیص هویتسون نزدیک تر شدیم.

می دونیم کی اند؟ کی؟ اون کیه؟



حق با مامانه! اون هم بخشی از ماجراست.

کیت اسپنسر آدم فریب خورده این ماجراست.

حق با ارو بود. اونو فرستادن بین ما تا ما رو به اشتباه بندازه و بین ما کینه ورزی رو باب کنه.

این موضوع چیزهای زیادی درباره لویتان جدید مشخص می کنه.

منجانتر قبلی کی بوده؟



کی الان حرکات ما رو زیر نظر گرفته؟! آره. بیاید بریم.

آره. بیاید بریم.

با تمام تکنولوژی های متفاوت و سری که در دسترس لویتانه، می تونند بطور زنده ما رو تو نمایشگرهای هولوگرافیکشون ببینند!



اون راست می گه. الان دارند تماشامون می کنند.

بریم... شاید از خیابون های کثیف گاتهام خلاص بشیم.

بخت بر نخوره.

نه. اگه تا این حد رو ما کنترل داشتند، تا حالا متوقفمون کرده بودند.

ما خیلی نزدیک شدیم.



سوپرمن و پلستیک من احتمالاً اونجا رو به خودشون مشغول کردند.

احتمالاً تا حالا همه چیز تموم شده و ما خبر نداریم.



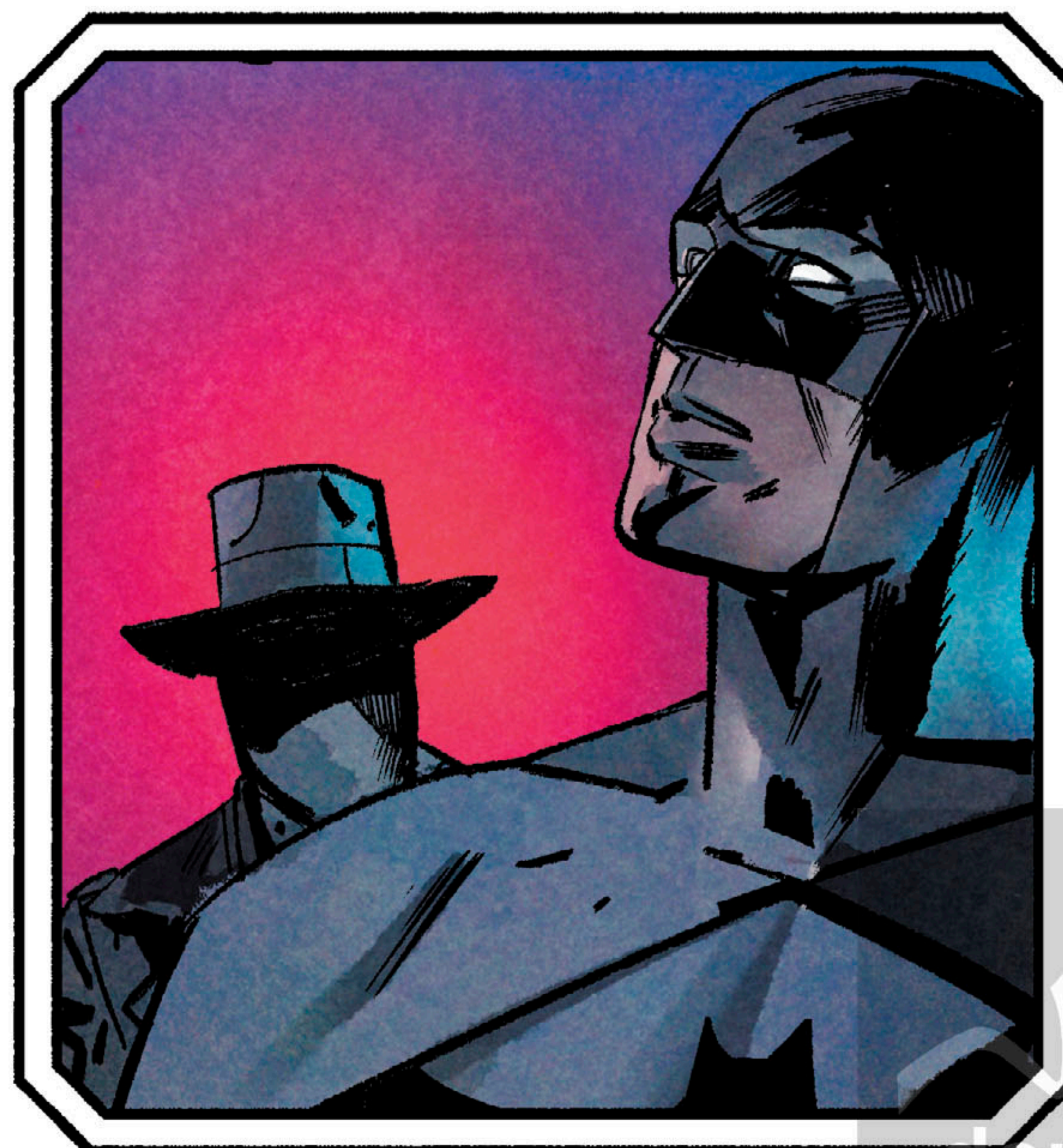
می دونم کیه و سرشو می خوام.



به نظرم لویتان نمی تونه بدون جلب توجه ما، ما رو تحت نظر بگیره.

ممکنه حق با تو باشه رابین.

نمی دونم دی ای او و اسپایرل هم قبل از وقوع فاجعه همچین حس داشتند یا نه.



پلیس ها چند بلوک اونور تر هستند.

چی گفتی؟ من حواسم به تو نبود...

پلیس ها اینجان. باهاشون همکاری می کنیم یا می زنیم به چاک؟



مهم نیست. اونجا اینجان.

لویتان...

نه... نه... نه...



کار آگاهان دیکه.



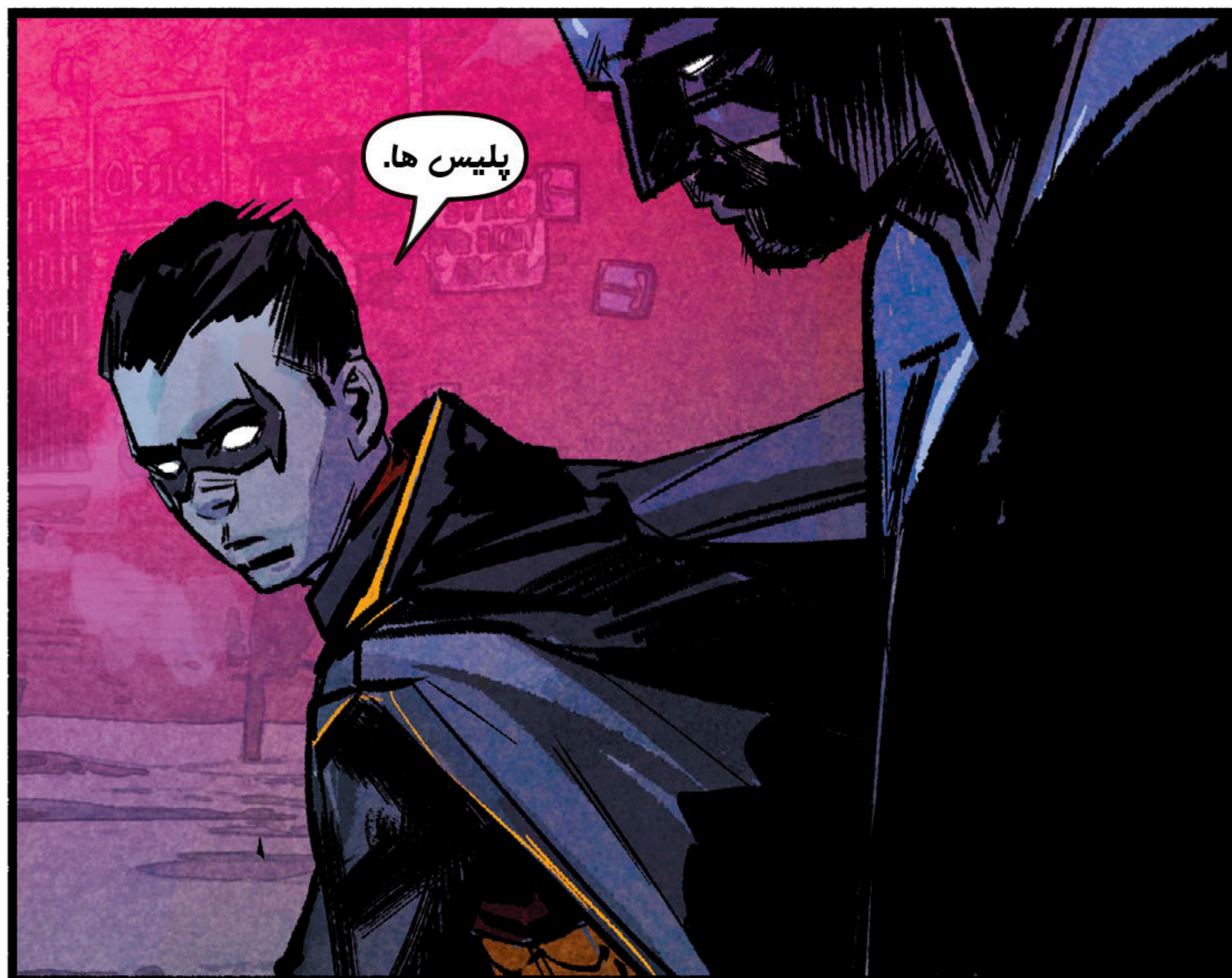
ممکنه لطف کنيد
سلاح ها رو بياريد
پايين؟



خير.
چون شما
دستگير مي شيد
خانم تروريست.

تاليا الغول و
لوييس لين با
هم كار مي كنند؟
شب عجيبه.

دث استروك
عجيب اينو مي گه.



پليس ها.



دوست ندارم
مايه در دسترشم
زاتانا.
ولي
وقتمون داره
تموم مي شه.

نگران نباش.



OT EHT
EVACTAB.
LLA
FO SU.

"اين خوبه.

"اين چيزيه
كه براي چاپش
بي صبرم..."



می دونی چرا لویتان فکر می کرد که می تونه پدر من جاسوس آرگوس رو برای کنترل جهان جذب کنه؟

چون طراح برنامه های لویتان پدرم بود.

حمله لویتان ایده پدرم بود.



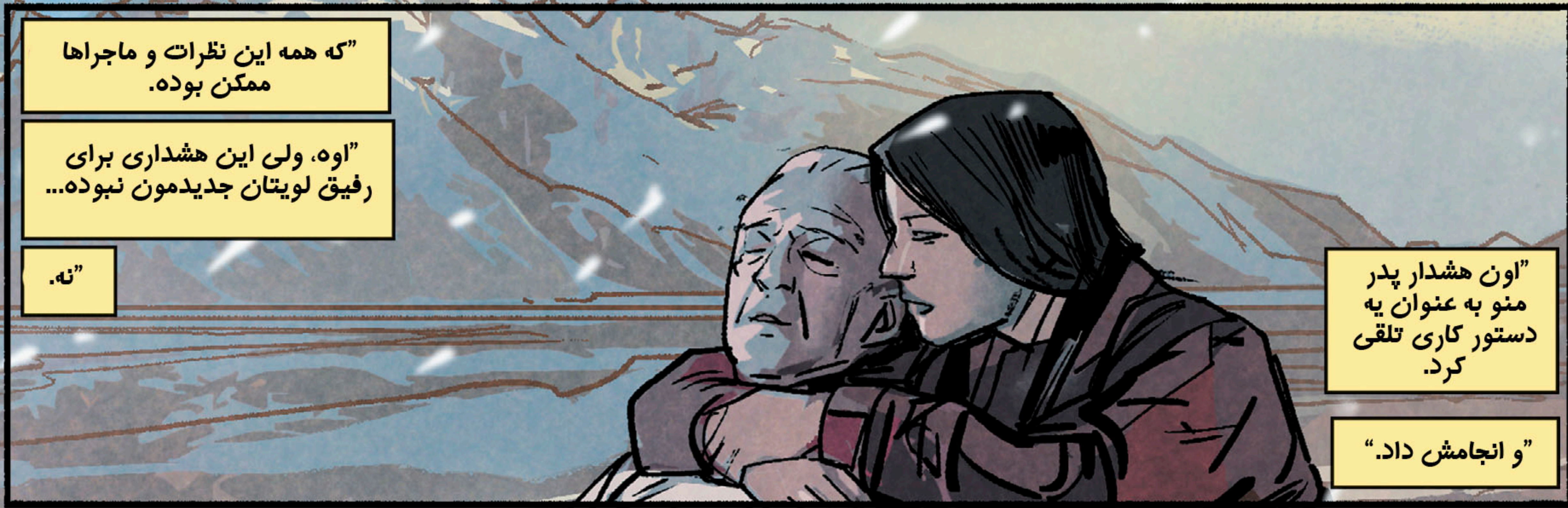
فکر کنم این طرح نوعی هشدار بود به همکارانش؟



پدرم می دید که اظهار ناامیدی که در وجود هر یک از مأمورها شکل گرفته بود خیلی بالا آمده بود...

اون هشدار داده بود که بعضی از انسان های خوب و سخت کوش آژانس های اطلاعاتی، بعضی از بزرگترین مغزهای دوران ما...

انقدر مأیوس شده بودند که کار درستی انجام نمی دادند...



"که همه این نظرات و ماجراها ممکن بوده.

"اوه، ولی این هشدار برای رفیق لویتان جدیدمون نبوده..."

"نه.

"اون هشدار پدر منو به عنوان یه دستور کاری تلقی کرد.

"و انجامش داد."



منهاترها.

اسم اصلیشون این نیست. ترجمه تقریبی اسمشون بر روی زمین به این شکله.

به من بگو که چهره لویتان رو دیدی.



دیدم.

دقیقاً.

پس می توئم چاپش کنم؟

توی چشمهات نگاه کردم.

تو ساحل جزیره لویتان...

پلستیک من افتاده بود رو دستم...

ننویسش. فقط بهم بگو.



متأسفم...
تو رو
یادم نمیاد.



اسم من
مارک شاو.

منجائتر.

می دونم
قبلا اینو گفتم
ولی... ممنونم.

ممنون
بخاطر دفعات
بیشماری که زندگی
منو نجات دادی و من
حتی متوجهش
نشدم.



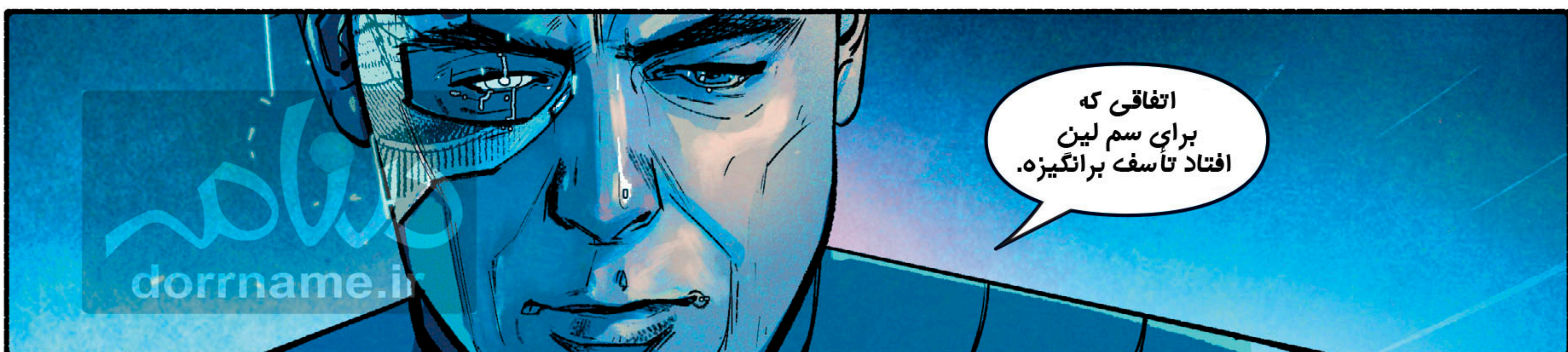
تو صدها بار زندگی
من و تمام افراد ساکن
در این جزیره رو نجات
دادی.

وقتی بهت
می گم هیچکس تو
این جزیره قصد جنگ با تو
رو نداره باور کن.

ما تصمیم
گرفتیم با تو نجنگیم.

دانشمندهای
ما همه چیزو
امتحان کردند!

ما می خواهیم
تو رو متقاعد کنیم
که در گام بعدی با ما باشی.



اتفاقی که
برای سم لین
افتاد تاسف برانگیزه.



اون چی گفت؟



می دونم تو و سم زیاد به هم نزدیک نبودید.

و می دونم اون نسبت به تو چه حس انتزاعی داشت. اگر چه هر دو می دونیم که اون کسی بود که می خواست دل و روده تو رو بریزه بیرون...

...اون به شیوه ای که می خواست به بیراهه رفت.



صبر کن!

من باید بعضی چیزها رو باز نویسی کنم.



مارک شاو. جاسوس پیشین.

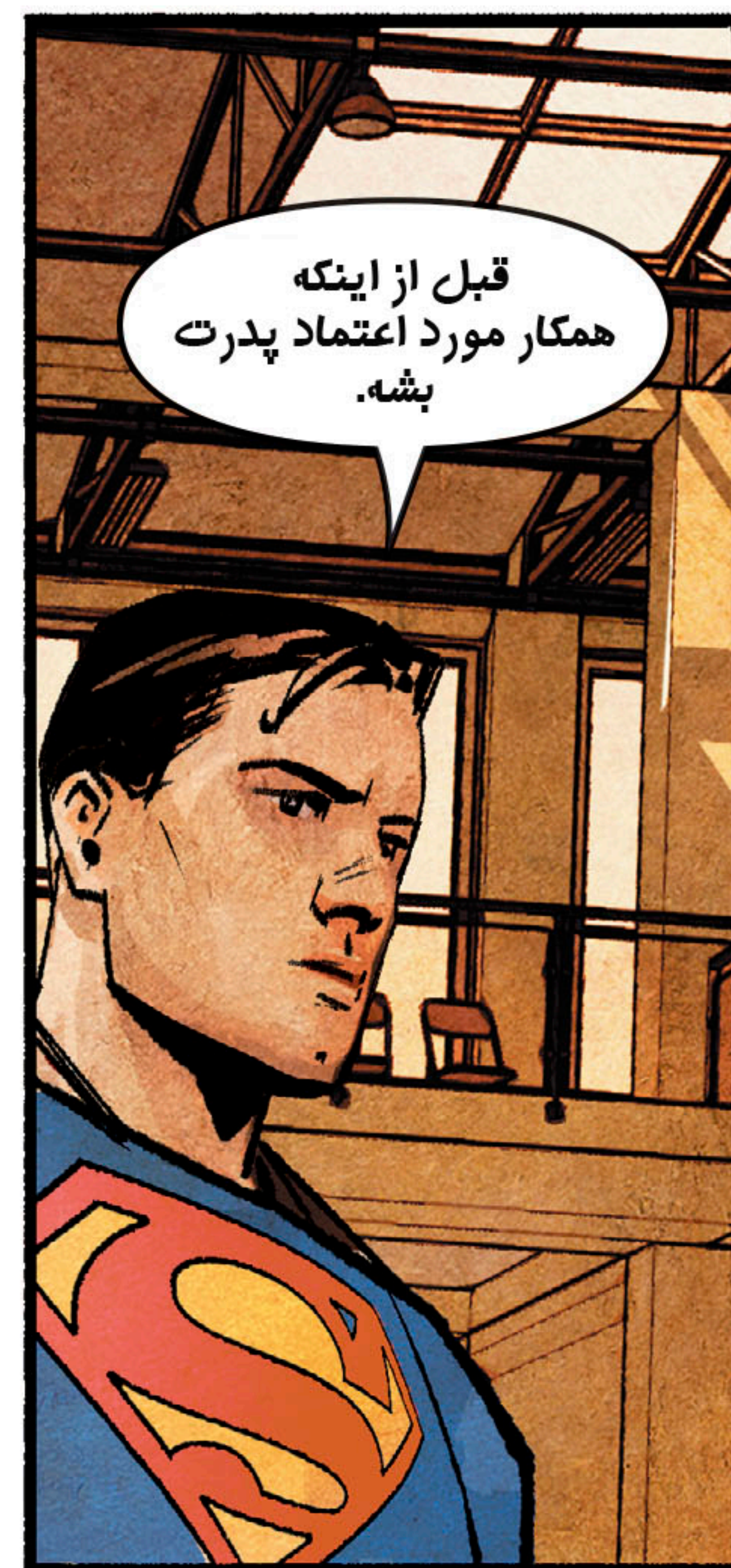
البته.

عضو سابق منهایترها و جوخه انتحار.

البته.

وقتی گروه از هم باشید، اون هم مات شد.

تالیا اونو در لویتان پذیرفت بدون اینکه بدونه...



قبل از اینکه همکار مورد اعتماد پدرت بشه.

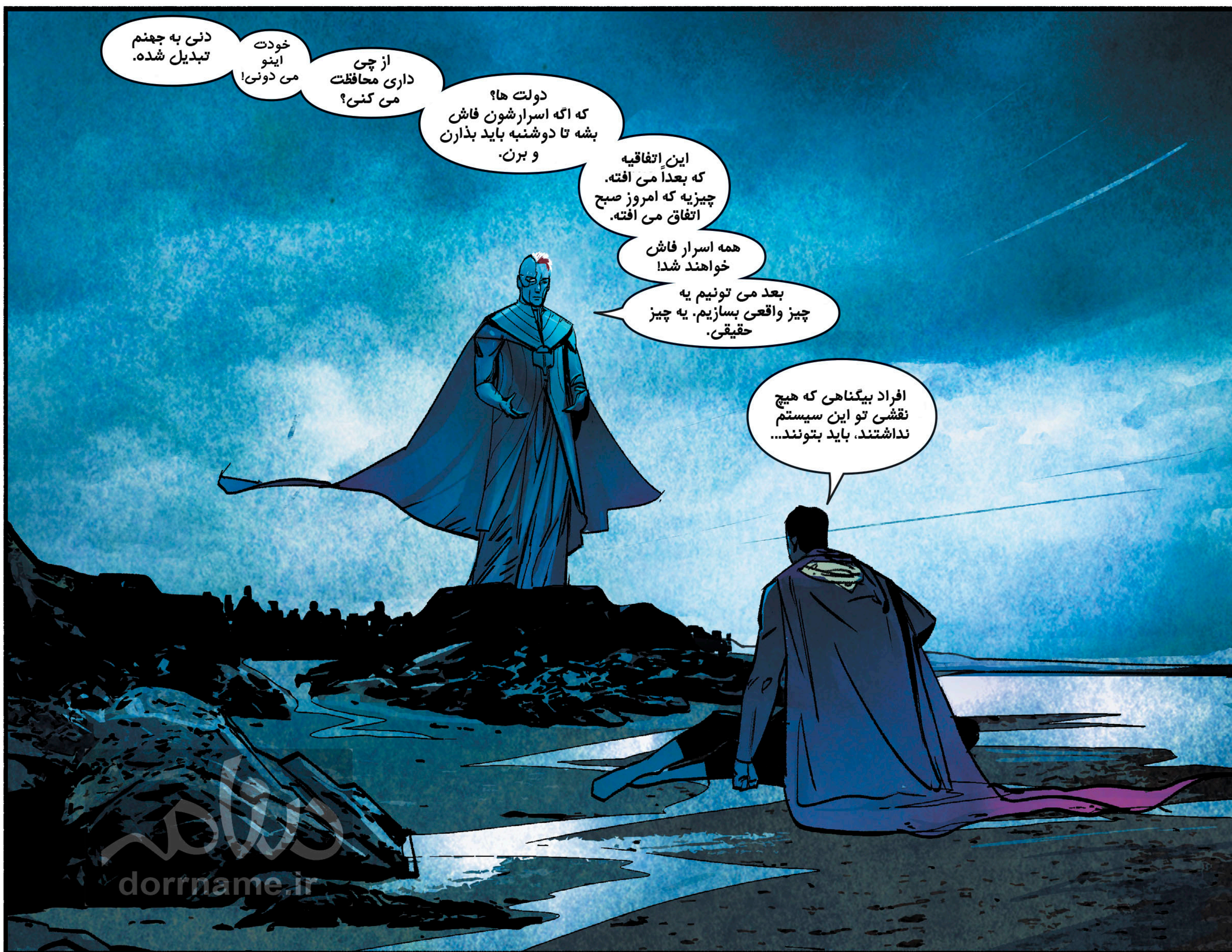


پس لویتان به جاسوس بوده. جاسوسی برای گذران زندگی کار خیلی کثیف و پرخطریه برای انسان.

پس به این نتیجه رسید که همه ما رو می تونه به جهنم واصل کنه؟

عالیه!

ولی اینکه ازش بشنوی ...



دنی به جهنم تبدیل شده. خودت اینو می دونی!

از چی داری محافظت می کنی؟

دولت ها؟ که اگه اسرارشون فاش بشه تا دوشنبه باید بذارن و برن.

این اتفاقیه که بعداً می افته. چیزیه که امروز صبح اتفاق می افته.

همه اسرار فاش خواهند شدا!

بعد می تو نیم به چیز واقعی بسازیم. به چیز حقیقی.

افراد بیگانه ای که هیچ نقشی تو این سیستم نداشتند، باید بتونند...



آره. درسته...

چطور از اونجا خارج شدی؟ اون الان کجاست؟



پلستیک من.



پلستیک من.



اون بیهوش نبود.

اون فقط بیحرکت اونجا دراز کشیده بود و با استفاده از قدرتش تونسته بود بخشی از خودش رو به خارج از تله تکنولوژیک اسپایرل بکشه. و در همین زمان بود که پتمن و بقیه کارا گاهان تونستند سیگنال لویتان/منهایتر رو که از نزدیکی جزیره ای در ایسلند ارسال می شد ردیابی کنند...

"جزیره به لرزه
افتاد."





بت گرل حرکت خودشو
از داخل سازمان شروع کرد.

"تونستیم بکشیمش
بیرون."



"حضور تالیا در برابر اون همه
از مردیان سابقش..."

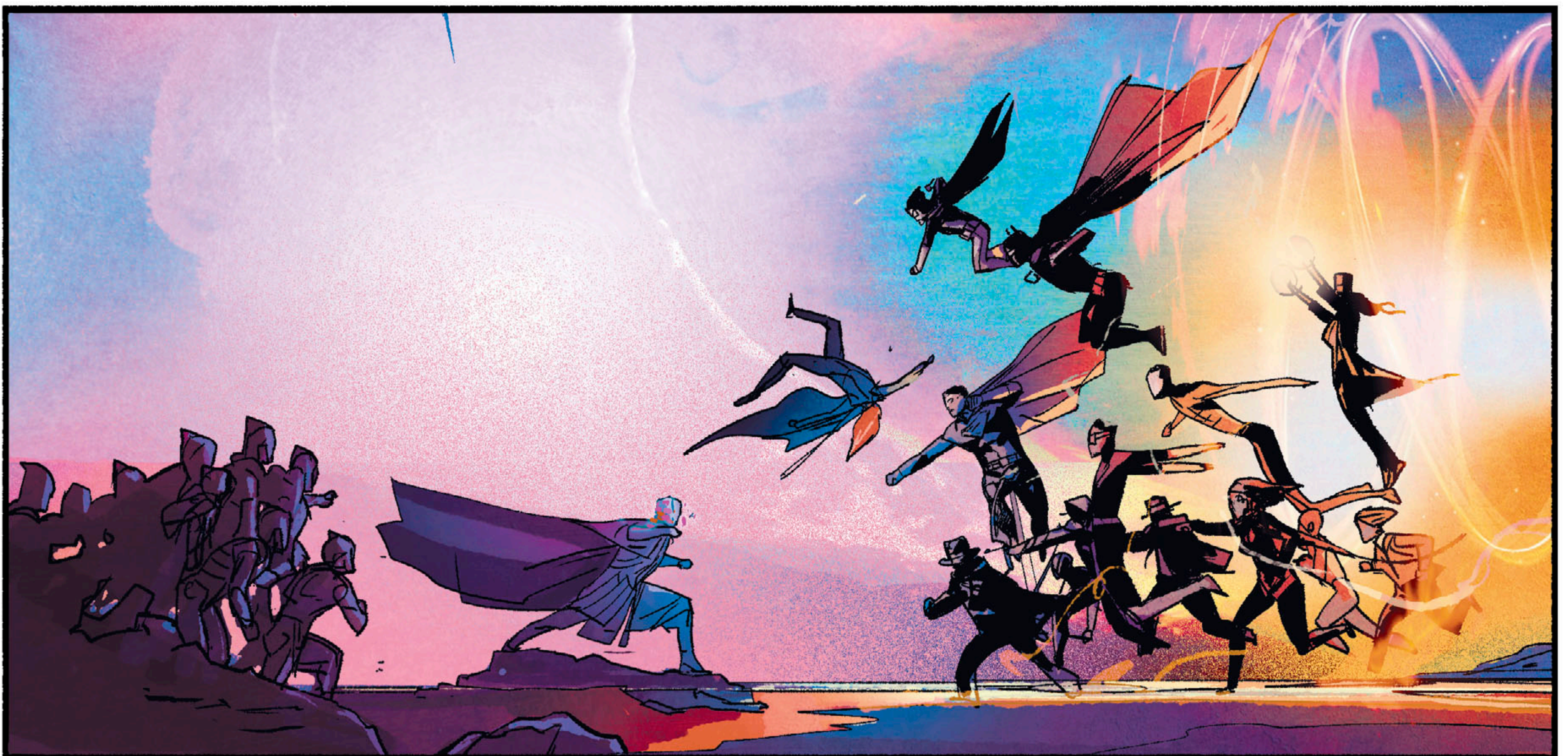
"باعث پراکنده شدن نبرد
از نقطه مرکزی خودش شد."



لوپتان خیلی به خودش
اعتماد داشت.

"خیلی از خودش مطمئن بود. درست مثل
خیلی از هیولاها و دیوانه هایی که به خودشون
قبولوندند که اونها هستند که باید بقیه
انسان ها رو کنترل کنند."

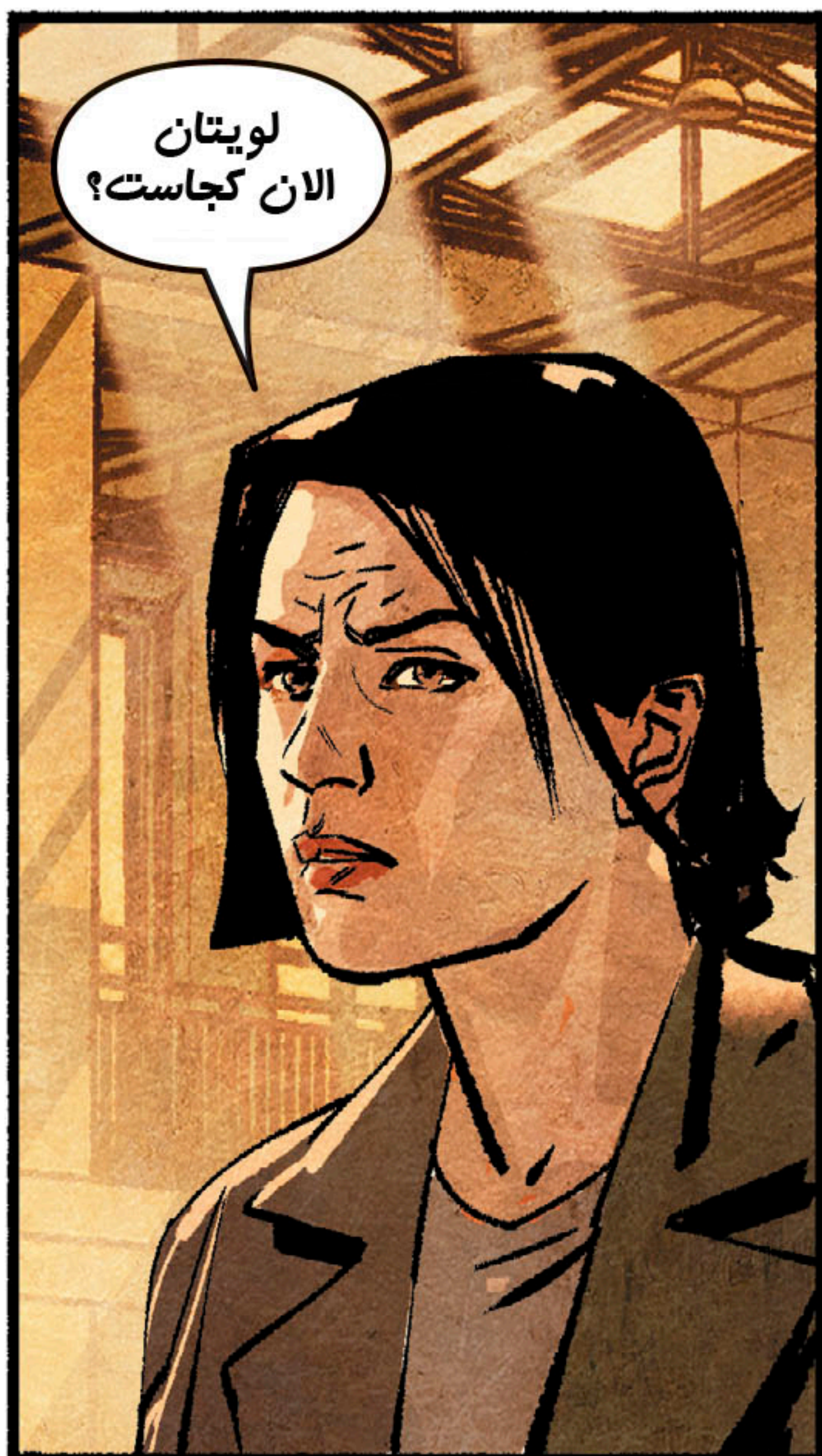
باورم
نمی شه.
تمام
تلاش های امروزت
برای نشون دادن
خودت.



واقعیت
تو اینه. همینو
می خواهی.

داری می جنگی
تا همه چیزو به همون
شکلی که هست
حفظ کنی.

خوب تو
%\$#@ هم برو به
جهنم.





لعنتی
!%\$#@
خیلی
نزدیک بود!

ولی... لویتان
برای مرحله بعدی
نقشه داره!

مرحله بعدی
چییه؟ چطور باید متوقفش
کنیم؟

اسرار!



لویتان
می خواد تمام
اسرار رو در آن واحد
به تمام جهان
مخابره کنه.

چی؟
مثل تصاویر؟

نه جاسوسی.
نه اسراری...

تمام اسرار
جهان برملا می شن.



اسرار نظامی، دولتی
و شرکت ها.
تمامی حساب ها
تمامی متون و تمامی
حساب ها بانکی.
همه چیز...
همه چیز.
رازی باقی
نخواهدموند.

واو.
به همین
خاطره که هیچوقت
پیامک نمی فرستادم.
می دونستم همچین
روزی می رسه.



دنیا درگیر
جنون می شه.

اگه این
فرآیند یکباره
انجام نشه، به یه
عده قدرت کنترل
بیشتری داده می شه
تا دیگران رو کنترل
کنند.

درسته.

دولت ها و
نظام های اقتصادی
فرو می ریزند.



موش ها
پخش می شن و
کنترل می افته
دست لویتان.

دقیقاً.

این لویتان ها
هیولاهای کوچکی هستند.
خیلی جالبه که همه همدیگه
رو پیدا کردند.

اونها خیلی
عصبی شدند.
متوجه نیستید؟



اسرار.

چطور
می خوان
تمام اسرار دنیا
رو یکباره پخش
کنند؟

چطور باید
جلوشونو
بگیریم؟



خوب...
به این
نیاز دارند.
بدون این
باید از اول
شروع کنند.
آماندا
والر اینو
به من داد.



ولی بعد
از بلایی که تو
به سرشون آوردی بت گرن
لویتان اول میاد سراغ
تو.
سراغ همه
ما میان.
والر اینجا
بود.
اون کجاست؟
آماندا
والر؟!
خوب.
بت کامپیوتر
اطلاعات ماهواره ای
دریافت نمی کنه.
با
اشعه ایکس
یا دید تلسکوپی
و میکروسکوپی
نمی شه تصویری از
اونجا بدست آورد.



آماندا! اگه خودتو
جایی پنهان کردی،
بیا بیرون!
اونجا برای هر
شکلی از برخورد آماده
بودند.
پس می دونند
که بقیه لیک عدالت
هم دارند خودشونو
می رسونند.
لویتان
بر نمی گرده.
باورم
نمی شه
باختیم!



ترسوها!
آروم باش
تالیا.
نه!
و امروز، الان
نمی تونه به دست
بیاره.
می دونیم
دنبال چیه.
ما
می دونیم لویتان
کیه!



ترسوهای عوضی! ما نابودشون می کنیم قبل از اینکه...

SHUSH!

ZZAATTTT



اون مادرمه!

پس دوبله قابل نداشت!

اون می خواست کمکت کنه!



شاید لازم باشه همه ما آرامش خودمونو حفظ کنیم و ببینیم که خواسته ما در این بین چیه.

و تالیا... اطلاعات زیادی داره که شما ندارید!

و بازیگرها که ما باشیم باید جایگاه خودمون رو دوباره ارزیابی کنیم و بشناسیم.

می دونید، به نظرم لویتان شرایط بازی رو کاملا تغییر داده...

و الان می خواهیم!

ما دنبالش لویتانیم.

و چطور قراره الان این کارو انجامش بدیم؟



فکر می کنم بدونم چطور می شه قاعده رو تغییر داد

نه! صبر کنید!

از زمان آغاز این ماجرا لویتان رو تحت نظر داشتیم و فکر می کنم...

داستان اینطوری نیست.



نه پری، می تونی ببینی چی فراهم کردم؟

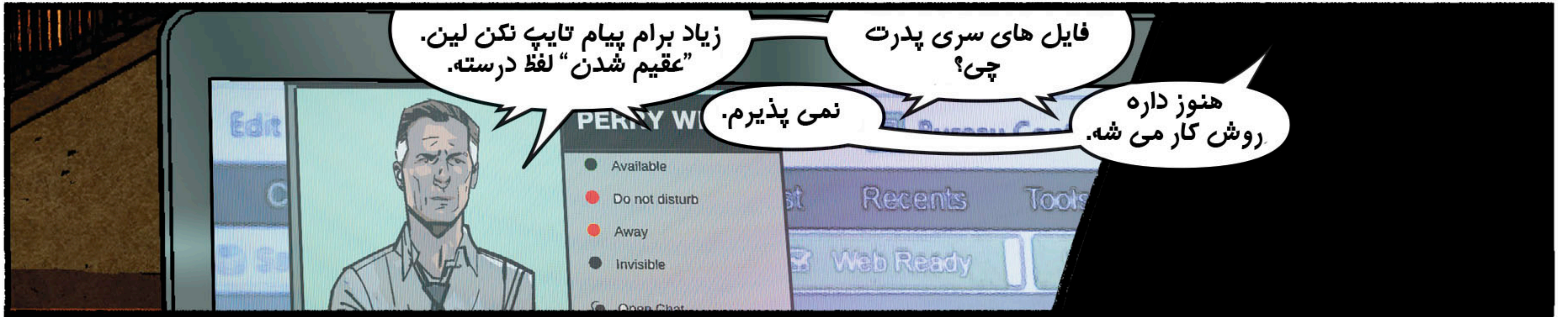
داستان لویتانه.

این یه داستان دیگه است!

این سر تیترا اخبار فرداست!

داستان شناسایی هویت و نقشه اون.

”و عقیم شدنشون!“



فایل های سری پدرت چی؟

زیاد برام پیام تایپ نکن لین. ”عقیم شدن“ لفظ درسته.

نمی پذیرم.

هنوز داره روشن کار می شه.



بجش بگو من موافقم.

اینجا حق با اونه.

سوپرمن، بتمن، بت گرل و گرین ارو.

نامی ازشون مطرح نمی شه.

صددرد!

برای روزنامه؟ نمی خوام اسمم همچنین جاهایی بیاد.

من نگران چیزی نیستم. کار زیادی نکردم.



پری! داستان های بزرگ زیادی هستند که می شه از دل این در آورد...

وضعیت منجانتر کیت اسپنسر.

فایل های پدرم. آخرین کلماتش.

تالیا راز الغول. استیوترور تو زندونه!

دولت های جهان می خوان چیکار کنند؟

آماندا والر الان کجاست؟

الان کریسمسه!

ولی این خبر باید الان منتشر بشه!



این داستان.

اینجا هم واقعیت ها.

کلمه رو بگو پری.

”عقیم ماند.“

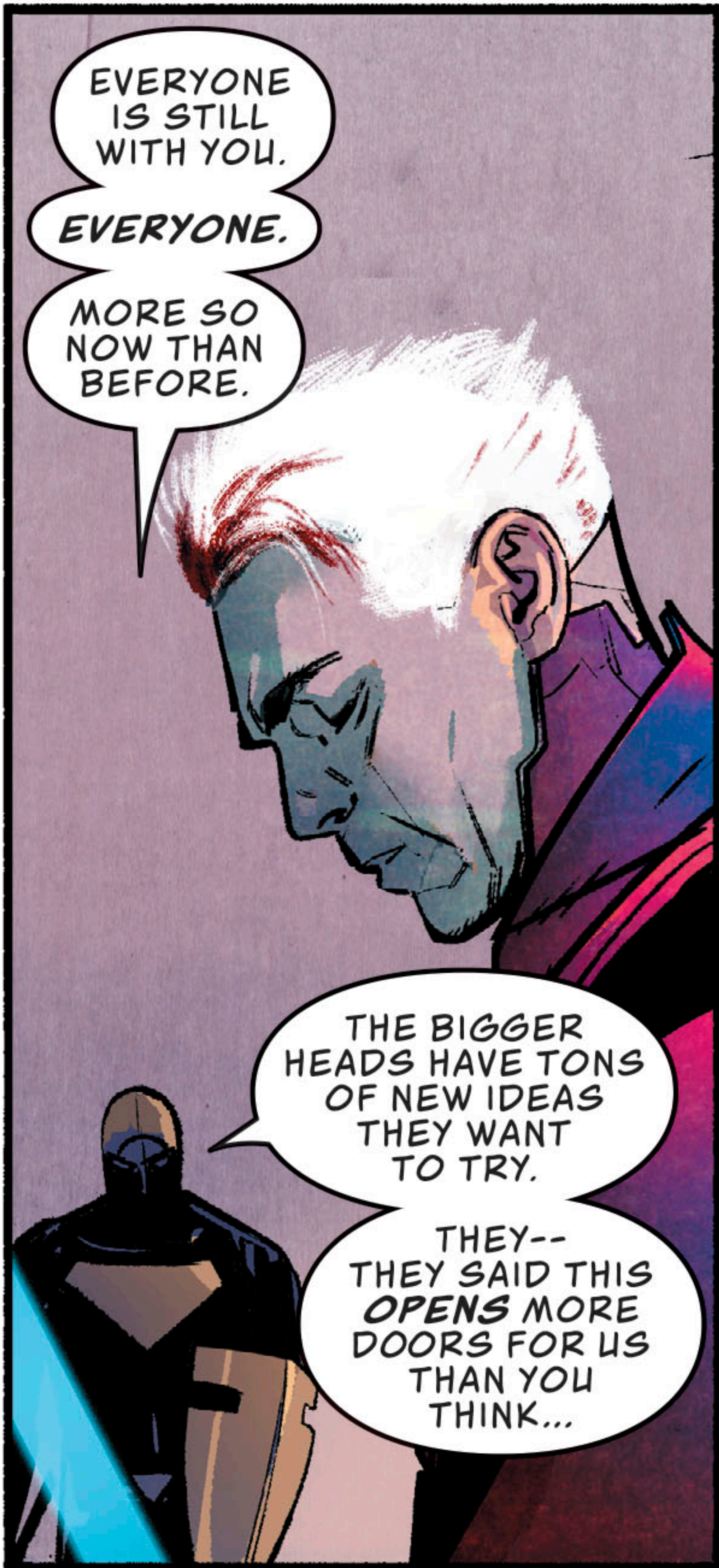


ممنون از همه.

بسیار خوب لویتان، تو دنبال حقیقتی...



"CHOKE ON IT, MARKY!"



EVERYONE IS STILL WITH YOU.

EVERYONE.

MORE SO NOW THAN BEFORE.

THE BIGGER HEADS HAVE TONS OF NEW IDEAS THEY WANT TO TRY.

THEY-- THEY SAID THIS OPENS MORE DOORS FOR US THAN YOU THINK...



THANK YOU, MR. HARPER.

YOU'VE GOTTEN US THIS FAR VERY FAST.

DON'T BE TOO HARD ON YOURSELF.

I JUST WANTED TO BELIEVE IN SUPERMAN...

AND I WANTED HIM TO BELIEVE IN US...



OH, I KNOW THAT FEELING.

GUESS WE'LL JUST HAVE TO BELIEVE IN OURSELVES.

THEY WOULD RATHER I BURN THIS ALL TO THE GROUND THAN TRY TO FIX IT.

YES.



FINE.

THE END.

LEVIATHAN WILL RETURN IN ACTION COMICS #1018 LEVIATHAN DAWN #1

DC
UNIVERSE

6

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MYSTERY
THRILLER

THE EVENT LEVIATHAN

BENDIS • MALEEV

THE MAN
BEHIND THE MASK
REVEALED!



دورنام

dorrname.ir

مرجع کمیک های فارسی

DC
UNIVERSE